

به نام خدا

عنوان موضوع مباحثه: نحوه برخورد صحیح با مددجو

انسان در ابعاد و عرصه های مختلف زندگی اغلب با موقعیت های متعارض، تنش زا و چالش بر انگیز مواجه می شود. برخی از این افراد در این گونه مواقع به دنبال مشاوره هستند که بتواند به آن ها کمک کند تا این موقعیت ها را به خوبی و توأم با آرامش طی کنند. یکی از شیوه های کار در مددکاری اجتماعی ، مددکاری فردی است. مددکار باهدف باز توان کردن مددجو به ایجاد ارتباط به صورت رو در رو می پردازد.

در این بین این سوال پیش می آید که چه برخوردی با مددجو مناسب و صحیح است؟

در ادامه بحث قبلی گروه در ارتباط با یخ شکن های رابطه بین مددکار و مددجو به اینجا میرسیم که برقرار کردن رابطه مستقیم و غیر مستقیم (توافق مشاوره) در ابتدای جلسه یکی از مهمترین عوامل ایجاد رابطه صحیح است.

در ابتدا باید به این نکته توجه کنیم و در نظر بگیریم که مددجویان به چند گروه تقسیم بندی میشوند:

گروه اول افرادی هستند که به خواست خودشان به مشاور مراجعه میکنند.

دسته دوم مددجویانی هستند که باید به مشاور مراجعه کنند.

سومین گروه افرادی هستند که به دلیل مشکلات دیگران مراجعه میکنند.

و دسته آخر مراجعینی هستند که هیچ باوری به تغییر ندارند.

با توجه به این نکته روابط بر حسب موقعیت و شرایط مشاور و مراجعه کننده به صورت مستقیم و غیر مستقیم به عمل می آید.

مددکار در ابتدا برای به دست آوردن اطمینان مددجو میتواند از روش راهبردی کردن و هدایت کردن وی به پیروی از خود استفاده کند.

در این روش استفاده از بدن ، مخصوصا دست ها و پاها به برقراری بهتر ارتباط غیر کلامی کمک می کند. زیرا مددجویانی که برای مشاوره می آیند ابتدا در حالتی بسته و گارد گرفته

هستند و اجازه نمی دهند مشاور به حریم خصوصیشان وارد شود. در این هنگام مددکار میتواند با نشان دادن علائمی از جمله باز کردن پاها و دست ها به صورت ارتباط غیر کلامی مددجو را به پیروی از خود وادار کند.

در این موقعیت توصیه شده است که مددکار دو دقیقه ابتدایی از مددجو تقلید رفتاری کند و بعد از آن روش راهبردی را در پیش بگیرد تا مددجو قبول کند به مشاور خود اعتماد نماید. اما باید به این نکته توجه کرد که رفتار مددکار نباید به نوعی باشد که مددجو حس کند رفتار وی غیر واقعی و برای فریب دادن او است.

وقتی مددجو حس خوبی داشته باشد، خودش را آزاد احساس می کند و به ایجاد رابطه ترغیب میشود.

زبان بدن مناسب در رابطه رو در رو، استرس مددجو را به حداقل می رساند. اما مددجویانی هستند که به دلیل داشتن تیک های عصبی غیر قابل کنترل مشکل بیشتری برای برقراری ارتباط با مددکار دارند که در اینجا مددکار با برقرار کردن ارتباط کلامی و غیر کلامی مناسب میتواند استرس موجود در مددجو را به حداقل برساند.

برای مثال به مددجو بگوید؛ چه چیزی به شما کمک میکند استرستان کمتر شود؟

نگوید؛ چرا استرس دارید؟

رفتار غیر کلامی برای یک مددکار بسیار مهم است اما باید در کنار رفتار کلامی و برای پیشبرد روند مشاوره استفاده شود. تایید کردن، تنظیم کردن شرایط محیطی، تقویت کردن حس اطمینان و تکرار از راه های برقراری ارتباط درست با مددجو است.

به طور کل میتوان گفت مددکار باید قبل از مشاوره هر چیزی که مزاحم است را از میان بردارد و با توجه به موقعیت زمانی و مکانی و فردی مددجو محیطی امن و قابل اطمینان را برای فرد مشاوره گیرنده فراهم آورد تا مددجو بتواند بدون داشتن استرس به بیان مشکل خود پردازد و از مددکار خود راهکاری برای حل کردن آنها دریافت کند.

پایان